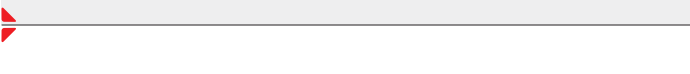


برای ممنوعیت تأمین بودجه، جهت اقدامات تهاجمی نظامی علیه ایران که سناتورهای برنی سندرز مستقل از ورمانت، الیزابت وارن دموکرات از ماساچوست و کریس ون هولن دموکرات از مرلند تنظیم کرده‌اند.

رئیس‌جمهور ترامپ به نوبه خود، پیام ثابتی درباره این موضوع نداشته است. در ماه مه، او جداً نشان داد آماده توافق با ایران است؛ به‌علاوه، پیش از آنکه اسرائیل بمباران ایران را شروع کند، ایالات متحده و ایران آماده شرکت در دور دیگری از مذاکرات هسته‌ای در عمان بودند. با این حال، ترامپ روز دوشنبه نوشت: «صریح بگویم، ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. دوباره و دوباره و دوباره این را گفته‌ام. همه باید از تهران بروند.» این هفته، برگزاری نشست بین مقامات ایالات متحده و ایران در حال بررسی بود اما ترامپ گفت: «خیلی حوصله مذاکره ندارم.»

ایران و اسرائیل، پنج روز بعد از شروع درگیری، همچنان در حال تبادل آتش هستند. به نظر می‌رسد ایالات متحده دخالت مستقیم در دور اول حملات نداشته اما طبق حرف‌های ترامپ، آمریکا در مقابله با موشک‌های ایران، ارائه اطلاعات و حتی با کمک به اسرائیل در صحنه هوایی، خود را درگیر کرده است.



چالش مواجه شود، انگیزه برای هدف‌گرفتن متحدان‌شان در منطقه بسیار بالا خواهد بود. عواقب بلندمدت‌تر این درگیری همچنان نامعلوم هستند. دولت ایران در طول دهه‌ها بر چندین دوره بحرانی فائق آمده است. اگر هم موضع ایران در منطقه، مثلاً در لبنان و فلسطین، تضعیف شود، ایران همچنان نفوذش را در عراق و یمن حفظ خواهد کرد و همچنان خواهد توانست در دیگر نقاط، مثل سوریه، بازی را به هم بزند.

چشم‌انداز بلندمدت برای ایران: اگر ایران بر این بحران هم غلبه کند و توافقی هم با ایالات متحده در کار نباشد، می‌تواند تصمیم بگیرد و با تمام توان برای تغییر راهبرد هسته‌ای خود و ایجاد بازدارندگی نهایی حرکت کند. این یعنی محتمل‌شدن همان چیزی که اسرائیلی‌ها در صحنه عمومی ادعا می‌کنند، دلیل جنگ‌شان بوده است. از طرف دیگر، اگر بحرانی در ایران هم شکل بگیرد، مدیریت آن بسیار سخت و شاید غیرممکن باشد. ایالات متحده حتی با ده‌ها هزار نیرو در خاک عراق هم نتوانست به روند سیاسی، به شکلی که می‌خواست جهت دهد. در هیچ سناریویی خبری از آن همه نیروی آمریکا در ایران نخواهد بود.

چشم‌انداز بلندمدت برای اسرائیل: در پایان این درگیری، اسرائیل ادعای قدرت نظامی بالا در منطقه خواهد داشت اما این ادعا را پیشتر هم داشته است. به تعبیر اوتو وان بیسمارک، دولتمرد آلمانی قرن نوزدهم، با سرنیزه همه کار می‌شود کرد اما نمی‌شود روی آن نشست. مشکل اسرائیل این است، اسرائیل توانایی اندکی دارد که قدرت نظامی‌اش را به تغییر واقعیت‌های سیاسی ترجمه کند و امنیت خود را در بلندمدت تقویت کند. از میان بازیگران محلی، دولتی را غیردولتی، اگر هم اصلاً کسانی حاضر به اتحاد با آن‌ها باشند، اندک خواهند بود. آن‌ها متحدی در دیگر کشورها ندارند، یعنی چیزی که در الگوی قدرت منطقه‌ای ایران در طول چندین دهه وجود داشته است. اگر هم ایران تضعیف شود، دولت‌های عربی مثل عربستان سعودی، اسرائیل را کمتر به عنوان شریک بالقوه خواهند دید و بیشتر آن را تهدیدی برای ثبات منطقه‌ای حساب خواهند کرد. عادی‌سازی روابط سعودی و اسرائیل، چیزی که هم دولت بایدن و هم دولت ترامپ به دنبال آن بودند، نامحتمل تر خواهد شد.

به جز ماندن نخست‌وزیر بنیامین نتانیاوو بر قدرت و ممانعت از تشکیل دولت فلسطین، دولت اسرائیل هیچ افق سیاسی ندارد. هیچ پروژه سیاسی برای غزه ندارد به جز اشغال دوباره و انتقال گسترده جمعیت، کاری که بسیار سخت خواهد بود و هیچ دوستی هم برای اسرائیل به همراه نمی‌آورد. درباره کرانه باختری هم این صادق است، جایی که به دنبال تضعیف تشکیلات خودگردان، طرف منطقه‌ای‌اش بوده است تا حتی از احتمال دولت فلسطینی هم جلوگیری کند. دولت نتانیاوو همچنین تلاش می‌کند دولت جدید سوریه را هم با حملات نظامی و اشغال سوریه فراتر از بلندی‌های جولان، بی‌ثبات کند. با اشغال بخش‌های گسترده‌ای از لبنان در نزدیکی مرز، کمکی هم به ایده خلع سلاح حزب‌الله در مقابل دولت لبنان نمی‌کند، حزب‌اللهی که دهه‌هاست می‌گوید برای مقابله با اشغال اسرائیل در لبنان نیاز دارد مسلح باشد. اقدامات اسرائیل در کرانه باختری و تشویق جابه‌جایی جمعیت، تهدیدی بلندمدت برای اردن است؛ همان دولتی عربی که طولانی‌ترین سابقه همکاری امنیتی با اسرائیل را از دهه ۱۹۵۰ دارد. قدرت نظامی اسرائیل در منطقه بالاست اما اگر پروژه سیاسی‌اش این است که از این قدرت برای بی‌ثباتی منطقه استفاده کند، شرکای چندانی در جهان عرب نخواهد یافت.

چشم‌انداز بلندمدت‌تر برای ایالات متحده: آمریکایی که در حمله به ایران مشارکت کرده باشد، مسئول نتایجش خواهد بود. سه رئیس‌جمهور پیاپی در آمریکا رویای این را داشته‌اند که از مشغولیت در خاورمیانه خارج شوند و به لحاظ نظامی و سیاسی به سمت آسیای شرقی بچرخند. این رویا، باز هم غیرممکن‌تر خواهد شد. اینکه جمهوری اسلامی که هدف حمله قرار گرفته، تغییر دکترین هسته‌ای خود را با سرعت و قدرت پی بگیرد، مشغولیتی عمده برای آمریکا خواهد بود. آشوب سیاسی در ایران هم باز دردسری برای آمریکا خواهد شد. علاوه‌براین‌ها، ایالات متحده، بیش از پیش متصل به اسرائیل دیده خواهد شد؛ آن هم اسرائیلی که در صحنه منطقه‌ای و جهانی، روزبه‌روز بیشتر به عنوان نیرویی نه‌برای ثبات که برای آشوب دیده می‌شود. به‌سختی می‌توان مسیر خروجی از چنین بحرانی برای ایالات متحده تصور کرد.

ترجمه: روح‌اله نخعی



تحلیل کارشناسان اندیشکده نیولاینز درباره وضعیت جنگ ایران و اسرائیل

تضاد خواسته‌های اسرائیل با امنیت ملی آمریکا

تبادل حملات بین اسرائیل و ایران در روزهای اخیر تشدید شده و ابهام بالا می‌رود. همزمان، اسرائیل فشاری فزاینده بر ایالات متحده می‌آورد که به جنگ بپیوندد تا ظرفیت‌های هسته‌ای ایران را هدف بگیرند و به ایران ضربه بزنند. کارشناسان نیولاینز در ادامه به تحلیل تحولات و پیامدهای بالقوه در منطقه می‌پردازند.



ترامپ باید این جنگ را متوقف کند
نیکولاس‌ای هراس
مدیر ارشد نیولاینز

جنگ ایران و اسرائیل، نوع تازه‌ای از جنگ از راه دور است که پیامدهای گسترده برای منطقه خواهد داشت. اسرائیل از حملات هوایی دوربرد و عملیات داخل ایران استفاده کرده تا کارزار نظامی پیچیده‌ای را از فاصله‌ای دور پیش ببرد. ایران هم از موشک‌های بالستیک و پهپادها برای حمله به اسرائیل استفاده می‌کند. این روش جنگ با سلاح‌های متعارف، بدون اعزام نیرو، بین دو کشور فاقد مرز مشترک و با فاصله چند هزار کیلومتری، چندین کشور را در منطقه در مسیر مستقیم نبرد قرار می‌دهد. بیشتر آن‌ها هم شرکای ایالات متحده هستند. خطر درگیری منطقه‌ای در نتیجه ذات این شیوه نبرد، باید بر نقشه‌های رئیس‌جمهور دونالد ترامپ اثر بگذارد و باید کارزار تازه‌ای برای دیپلماسی آمریکایی ایجاد شود که این نبرد متوقف شود. هر چه این جنگ بیشتر ادامه یابد، میلیون‌ها نفر دیگر اجباراً جابه‌جا می‌شوند و ده‌ها هزار نفر ممکن است کشته یا زخمی شوند. پیامدهای این جنگ، جدی است و ممکن است فاجعه‌بار باشد. این جنگ ممکن است به منطقه‌ای که همین حالا هنوز درگیر پیامدهای جنگ‌های داخلی، بی‌ثباتی اقتصادی-اجتماعی و اجتماعی-سیاسی و مهاجرت گسترده بوده، رنج بیشتری اضافه کند. ترامپ باید قاطعانه تصمیم بگیرد که این درگیری را متوقف کند.

اسرائیل
جنگ را به جاهای دیگر هم می‌کشان
کارولین رز
مدیر و کارشناس راهبردی نیولاینز

بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل مدعی سه‌هدف برای کارزار نظامی اسرائیل علیه ایران شده: برنامه هسته‌ای ایران، برنامه موشکی

ایران و آنچه او نامش را «محور ترور» می‌گذارد، به دو مورد اول توجه بسیار شده اما لازم است به مورد سوم هم به اندازه ابعاد، دامنه و گستره زمانی این درگیری منطقه‌ای توجه شود. نتانیاوو می‌گوید تا هر سه هدف محقق نشوند، اسرائیل آتش‌بسی را نخواهد پذیرفت. این تکرار ادبیاتی با پایان باز است که اسرائیل در عملیاتش در غزه و نیز در مقابله‌های گسترده‌ترش در لبنان، سوریه و یمن به کار برده است. با تعریف اقدامات به‌عنوان مقابله‌ای کلی و بدون هدف مشخص تعریف



آمریکایی شاهدیم. واقعاً علاقه‌مند است با این دو کشور بسیار متفاوت، یعنی ایران و روسیه، به توافق برسد. اگر این نشود، اجازه اقدامات قابل توجه را به طرف‌هایی که مستقیم درگیر هستند، می‌دهد، اطلاعات در اختیارشان می‌گذارد و به آن‌ها سلاح می‌دهد، اما آشکارا خودش را درگیر نبرد نمی‌کند.

طرف‌هایی که من نام‌شان را «دولت‌های مشتری» می‌گذارم، توانایی اقدام علیه کشورهایی که انتظارات دیپلماتیک آمریکا را برآورده نمی‌کنند، با تمایل آمریکا به اقدام به عنوان بازیگر اصلی، متفاوت است. ایالات متحده همچنان سطح قابل‌توجهی از کنترل را بر اقدامات دولت‌های مشتری‌اش اعمال می‌کند، بدون اینکه نیروهای خودش را در معرض خطر قرار دهد.

همزمان، تا حدی امکان ادعای بی‌طرفی را برای خودش حفظ می‌کند، اگر چه ادعای بی‌تفاوتی ندارد. با این کار در واقع توانایی خود را برای اقدام دیپلماتیک حفظ می‌کند. شاید به نظر برسد با زحمت و اصرار بشود به



آمریکایی شاهدیم. واقعاً علاقه‌مند است با این دو کشور بسیار متفاوت، یعنی ایران و روسیه، به توافق برسد. اگر این نشود، اجازه اقدامات قابل توجه را به طرف‌هایی که مستقیم درگیر هستند، می‌دهد، اطلاعات در اختیارشان می‌گذارد و به آن‌ها سلاح می‌دهد، اما آشکارا خودش را درگیر نبرد نمی‌کند.

طرف‌هایی که من نام‌شان را «دولت‌های مشتری» می‌گذارم، توانایی اقدام علیه کشورهایی که انتظارات دیپلماتیک آمریکا را برآورده نمی‌کنند، با تمایل آمریکا به اقدام به عنوان بازیگر اصلی، متفاوت است. ایالات متحده همچنان سطح قابل‌توجهی از کنترل را بر اقدامات دولت‌های مشتری‌اش اعمال می‌کند، بدون اینکه نیروهای خودش را در معرض خطر قرار دهد.

همزمان، تا حدی امکان ادعای بی‌طرفی را برای خودش حفظ می‌کند، اگر چه ادعای بی‌تفاوتی ندارد. با این کار در واقع توانایی خود را برای اقدام دیپلماتیک حفظ می‌کند. شاید به نظر برسد با زحمت و اصرار بشود به

مخالفت آمریکایی‌ها با دخالت در جنگ اسرائیل

بر اساس نظرسنجی مؤسسه «یو‌گاو» حدود ۶۰ درصد از آمریکایی‌های شرکت‌کننده، معتقدند ارتش آمریکا نباید در درگیری‌های جاری دخالت کند. تنها ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق دخالت آمریکا بودند و ۲۴ درصد نیز اعلام کردند که نظر قطعی ندارند. این نظرسنجی نشان می‌دهد، در میان هر سه گروه‌بندی سیاسی در ایالات متحده، مخالفان مداخله آمریکا در جنگ اسرائیل و اقدام علیه ایران، در اکثریت هستند. در میان دموکرات‌ها، ۶۵ درصد مخالف مداخله آمریکا بوده‌اند و این رقم در میان جمهوری خواهان ۵۳ درصد بود. همچنین ۶۱ درصد از مستقل‌هائیز با این اقدام مخالفت کردند.



آمریکا دیپلماسی با ایران را از سر بگیرد

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه از آمریکا خواست مسیر دیپلماسی با ایران را از سر بگیرد. وی با اعلام این‌که آمریکا نقشی حیاتی در ازسرگیری دیپلماسی با ایران دارد، در حاشیه نشست گروه هفت در کانادا به خبرنگاران گفت: «من معتقدم ما به ایالات متحده نیاز داریم تا همه را دوباره پای میز مذاکره جمع کنند». رئیس‌جمهوری فرانسه افزود: «ما نمی‌خواهیم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، اما بزرگ‌ترین اشتباه این است که از حمله نظامی استفاده شود، زیرا در این صورت با هرج‌ومرج مواجه خواهیم شد و مسئولیت ما این است که مذاکرات را هرچه سریع‌تر از سر بگیریم تا دوباره بتوانیم در مورد مسائل هسته‌ای و موشکی مسیر روشنی تعیین کنیم». وی با اشاره به پیامدهای جنگ‌های تحت‌رهبری آمریکا در عراق و لیبی پرسید: «آیا کسی فکر می‌کند کاری که سال ۲۰۰۳ در عراق انجام شد تصمیم خوبی بود؟ یا آنچه در دهه بعد در لیبی رخ داد تصمیم درستی بود؟ نه!»



رایزنی مصر با عراقچی و ویتکاف

بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر روز با استیون ویتکاف، فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران تماس برقرار کرد. وی در این تماس‌ها بر لزوم کار بر سر آتش‌بس فوری و بازگشت به روند گفت‌وگوهایه عنوان تنها راه دستیابی به توافق پایدار بر سر برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد.



تماس‌های دیپلماتیک فشرده داریم

دفتر رجب طیب اردوغان در پیامی در رسانه اجتماعی ایکس اعلام کرد: نتانیاوو بار دیگر نشان داده است که بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت منطقه است. اردوغان با اشاره به اینکه در مورد درگیری‌های ناشی از حملات اسرائیل به ایران، تماس‌های دیپلماتیک فشرده‌ای داشته است، گفت که به تلاش‌های خود برای پایان دادن به چرخه خشونت ادامه خواهد داد. در ادامه این بیانیه آمده است: رئیس‌جمهور ترکیه با تأکید بر اینکه نمی‌توان اجازه داد حملات اسرائیل بر بحران انسانی و نسل‌کشی در غزه سایه افکند، هشدار داد که اجازه نخواهد داد این حوادث سوریه را نیز فرا بگیرد.